

# تحریمهای یک جانبه آمریکا علیه ایران

محمدجواد ظریف و سعید میرزایی<sup>۱</sup>

تحریمهای اقتصادی یکی از سازوکارهای اجرایی عمده در نظام امنیت دسته جمعی ملل متحد بوده است. در عین حال، این تحریمها اغلب به عنوان ابزار سیاست خارجی به طور یک جانبه یا چندجانبه اعمال شده اند. گرچه به تازگی استفاده شورای امنیت از مجازاتهای اقتصادی روبه افزایش گذاشته، اما در گذشته شورا از اعمال مجازاتهای مزبور اکراه داشت و بنابراین اکثر تحریمهای بین المللی طی جنگ سرد بیش از اینکه جهانی باشد، یک جانبه یا چند جانبه بود. طی جنگ سرد در واقع شورا تنها تحریمهایی را علیه رودزیای سابق در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ اعمال کرد. البته، شمار تحریمهای تحمیلی شورای امنیت ظرف پنج سال پس از ۱۹۹۰ بیش از چهار برابر کل موارد اعمال شده طی ۴۵ سال قبل از این تاریخ است. پس از ۱۹۹۰ کشورهای عراق، یوگسلاوی، سومالی، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هائیتی و سودان با تحریمهای بین المللی روبه رو شدند.

## ملاحظات کلی درباره تحریمهای اقتصادی

طرفداران مجازاتهای اقتصادی استدلال می کنند که بیشترین مزیت مجازاتهای اقتصادی از یک سو این است که می تواند بسیار مؤثر باشد و از سوی دیگر این مجازاتها مستلزم توسل به زور و خشونت نیستند.<sup>(۱)</sup> از این رو، نخستین و بدیهی ترین موضوعی که

۱. دکتر محمد جواد ظریف، معاون امور حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه است. دکتر سعید میرزایی رئیس اداره معاهدات حقوقی بین المللی وزارت امور خارجه می باشد.

لازم است مورد توجه قرار گیرد، استفاده از تحریمهای اقتصادی در دستیابی به نتیجه مطلوب است.

تحریمها را می‌توان اقداماتی تعریف کرد که اعضای یک جامعه برای جلوگیری و ممانعت از نقض هنجارهای جامعه و تشویق رعایت این هنجارها اتخاذ می‌کنند. جان گالتونگ<sup>۱</sup> تحریمهای بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند:

اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین‌المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر به منظور یکی یا هر دو هدف زیر به عمل می‌آورند: تنبیه طرف مقابل با محروم ساختن آن از برخی چیزها که برای آن ارزش دارد یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت بعضی هنجارها که برای طرف اقدام‌کننده حائز اهمیت است.<sup>(۲)</sup>

ذکر این نکته مهم است که گرچه در تحریمها عنصری از تنبیه ناقضان حقوق بین‌الملل وجود دارد، اما صرفاً به منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور مورد تحریم نبوده و در واقع هدف آن ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی این کشور است. برخی ناظران حتی از این نیز فراتر رفته، استدلال می‌کنند که مهم‌ترین کارکرد تحریم همانا بازدارندگی است.<sup>(۳)</sup>

اساساً موفقیت یا شکست هر تحریم باید نه تنها بر پایه اثر اقتصادی آن بر دولت هدف ارزیابی شود، بلکه همچنین توانایی آن در ایجاد واکنش سیاسی مطلوب در دولت هدف بررسی گردد. در اکثر موارد، تحریمهای اقتصادی بین‌المللی تأثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، اما موفقیت سیاسی آنها خیلی کمتر بوده است.<sup>(۴)</sup> برای نمونه، مطالعات به عمل آمده دربارهٔ توانایی تحریمها برای تغییر رفتار رودزیای سابق، نتیجه‌ای قطعی را در مورد کارایی آنها به دست نمی‌دهد.<sup>(۵)</sup> موارد جدیدتر تحریمها که بدقت تحت نظارت قرار داشتند و تحریمهای جهانی که کاملاً به اجرا درآمدند نیز چیز بیشتری را روشن نمی‌سازند.

افزون بر این، آثار بشردوستانه منفی تحریمهای بین‌المللی بر آسیب‌پذیرترین اقشار مردم دولت هدف، همواره یکی از نگرانی‌های عمده جامعه بین‌المللی بوده است.<sup>(۶)</sup> منطق تحریم ساده است. فرض بر این است که وضع تحریمهای اقتصادی زندگی را در کشور هدف به قدر کافی دشوار خواهد ساخت، به گونه‌ای که مردم به دولت خود برای تغییر وضعیت و واکنش از طریق مطلوب فشار وارد خواهند آورد. اما این منطق بر فرض فرهنگ گونه عقلانیت<sup>(۷)</sup> همراه با تصور غیرواقع‌بینانه در مورد رابطه میان شرایط اقتصادی و رفتار سیاسی

1. John Galtung

بنا نهاده شده‌است.

آثار تحریمها بر تجارت آزاد و حق توسعه و همین‌طور نتایج مخرب آن برای همسایگان دولت هدف نیز مسائل به نسبت مهمی را مطرح می‌سازد که مستلزم ارزیابی هوشیارانه است. به عنوان نکته‌ای مهم، توجه به این واقعیت هشدار دهنده که تحریمها، حتی آنهایی که سازمان ملل متحد وضع کرده‌است، دارای انگیزه سیاسی بوده و به صورت گزینشی اعمال شده و بشدت دستکاری گردیده‌اند، دیگر بر کسی پوشیده نیست. بررسی سابقه فعالیت شورای امنیت و تصمیمات آن در موارد مختلف تهدید علیه صلح یا اعمال تجاوز، بوضوح تفوق ملاحظات سیاسی یا حتی اقتصادی بیرونی را در این تصمیم‌گیری‌ها آشکار می‌سازد. دبیرکل سازمان ملل متحد در متمم دستور کار صلح گلايه می‌کند که:

اهدافی که برای آنها تحریمهای خاصی وضع شده همواره به طور روشن تعریف نشده‌اند. در واقع، به نظر می‌رسد گاه آنها در طول زمان تغییر می‌یابند. ترکیب عدم صراحت و تغییرپذیری کار را برای شورای امنیت در این خصوص که چه هنگام می‌توان اهداف را دست یافته تلقی کرد و تحریمها را از میان برداشت، دشوار می‌سازد. در عین حال که تأیید می‌شود شورا بیشتر رکنی سیاسی است تا قضایی؛ همچنین بسیار مهم است که همزمان با اتخاذ تصمیم برای وضع تحریمها، معیارهای عینی برای تشخیص تحقق اهداف تحریمها را تعیین کند. اگر حمایت عمومی برای استفاده از تحریمها به عنوان ابزار مؤثر ادامه یابد، باید مراقب بود از ایجاد این تصور ممانعت به عمل آید که هدف وضع تحریمها بیشتر تنبیه است تا تغییر رفتار سیاسی یا اینکه معیارها برای خدمت به اهدافی غیر از آنچه انگیزه تصمیم اولیه برای وضع مجازات بودند، تغییر می‌یابند.

لازم است این موضوعات به طور جدی مورد مطالعه قرار گیرند، بویژه از جانب سازمان ملل متحد که در منشور آن وضع تحریمها در چارچوب مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان یکی از آخرین وسائل برای عدم توسل به اقدامات اجباری قهرآمیز طبق ماده ۴۲ پیش‌بینی شده‌است. در غیر این صورت، بهای پرداخت شده، تضعیف بیشتر مشروعیت و کارایی این دستگاه اجرای بالقوه با ارزش خواهد بود.

### مجازاتهای یک جانبه

مسائل ناشی از تحریمهای چندجانبه به هنگام بررسی مجازاتهای یک جانبه ابعادی چندگانه پیدا می‌کند. این دسته از تحریمها در واقع ابزاری در خدمت سیاست خارجی هستند،

قطع نظر از اینکه در لفظ چنین هدفی را دنبال می‌کنند. در عین حال که نقایص پیش گفته در مورد تحریمهای بین‌المللی شامل تحریمهای یک‌جانبه نیز می‌شود، اما آنها فاقد هرگونه مشروعیت یا بنیاد حقوقی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی هستند.

آمریکا بیش از هر کشور دیگری اقدام به اعمال تحریمهای یک‌جانبه کرده‌است. به اعتقاد دایره تحقیق کنگره آمریکا این دولت مجازاتهای اقتصادی را به عنوان اقدامات غیرنظامی تلقی می‌کند که بر جریان کالاها، خدمات و دارایی‌های مالی بر یک کشور خارجی خاص اثر سوء می‌گذارد. بدین منظور که این کشور به دلایل سیاسی تنبیه شود و یا مورد اجبار قرار گیرد یا با این هدف که ناخرسندی آمریکا از اعمال آن کشور ابراز گردد. آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۲، ۷۹ مورد مجازات اقتصادی را علیه کشورهای دیگر اعمال کرده‌است. (۸)

تحریمهای یک‌جانبه آمریکا به تازگی با پیدایی این گرایش در کنگره این کشور برای تحمیل تحریمها به طرفهای ثالث و تلاش برای گسترش حوزه صلاحیتش و رای مرزهای آمریکا، ابعاد جدید به خود گرفته‌است. تحریمهای اخیر علیه طرفهای ثالث که با کوبا، لیبی و ایران معامله می‌کنند، برجسته‌ترین نمونه‌های این دسته تحریمها هستند.

### تحریمهای یک‌جانبه آمریکا علیه ایران

در ۴ اوت ۱۹۹۶ رئیس جمهوری آمریکا قانون تحریم ایران - لیبی مورخ ۱۹۹۶ را امضا کرد. به موجب این قانون علیه شرکتهایی که اقدام به سرمایه‌گذاری‌هایی در ایران کنند که به توانایی این کشور برای توسعه منابع نفتی کمک نماید، مجازاتهایی اعمال می‌شود. این آخرین تحریم از مجموعه تحریمهای رسمی بود که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع شده بودند. در واقع دولت آمریکا اکثر تحریمهایی را که طبق بند ۱۰ بیانیه الجزایر - امضا شده میان دو کشور در ۱۹۸۱ که بحران گروگان‌گیری پایان بخشید - لغو کرده بود، مجدداً علیه ایران اعمال کرد. این تحریمها عبارتند از:

الف) در اوج تجاوز عراق علیه ایران، از ۱۹۸۳ به بعد، آمریکا تحریمی یک‌جانبه موسوم به "قطع جریان هرگونه کمک به عملیات" را اعمال کرد که هدف آن جلوگیری از دسترسی ایران به تسلیحات یا تجهیزات دارای استفاده دوگانه در هر کجای جهان بود. این تحریم به منظور کمک به عراق بود که آمریکا طی دهه ۸۰ بر آن "سریوش" گذاشته بود.

ب) در ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷ رئیس جمهوری وقت آمریکا، ریگان، طبق فرمان اجرایی شماره ۱۲۶۱۳ واردات از ایران را تحریم کرد و صدور ۱۴ نوع کالای دارای استفاده بالقوه

نظامی را به ایران ممنوع ساخت.<sup>(۹)</sup>

پ) صادرات برخی مواد شیمیایی به ایران طبق فرامین اجرایی مارس ۱۹۸۴ و ژوئیه ۱۹۸۷ ممنوع شد.<sup>(۱۰)</sup>

ت) قانون عدم تکثیر تسلیحات ایران-عراق، که به صورت اصلاحیه‌ای به قانون بودجه دفاعی<sup>(۱۱)</sup> برای سال مالی ۱۹۹۳ تصویب شد، مجازاتهایی را علیه اشخاص یا کشورهایی که به ایران کالاها یا تکنولوژی‌هایی تحویل دهند که به برنامه‌های سلاحهای متعارف آن کشور کمک کند، مقرر می‌دارد و می‌خواهد که از درخواست مجوز برای صدور تجهیزات دارای استفاده نظامی امتناع شود.<sup>(۱۲)</sup>

ث) لایحه اختصاص بودجه برای عملیات خارجی مربوط به سال مالی ۱۹۹۳ مانع کمک به روسیه می‌شود مگر اینکه رئیس جمهوری آمریکا مذاکراتی جدی را با روسیه به منظور کاهش صادرات سلاحهای متعارف پیچیده به ایران آغاز کند.<sup>(۱۳)</sup>

ج) توانایی مؤسسات مالی بین‌المللی به اعطای وام به ایران طبق مقررات قوانین مختلف کنگره طی سالهای مالی ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ بشدت محدود شد. قانون تخصیص کمک خارجی برای سال مالی ۱۹۹۴، درخواست دولت برای کمک آمریکا به بانک جهانی را به میزان وامی که در ۱۹۹۳ در اختیار ایران قرار داده بود، کم کرد.<sup>(۱۴)</sup>

چ) در ۱۵ مارس ۱۹۹۵، کلیتون طی یک فرمان اجرایی تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور، از جمله معامله نفت ایران در خارج به وسیله شرکتهای آمریکایی و شرکتهای خارجی وابسته به آنها را ممنوع ساخت.<sup>(۱۵)</sup>

قبل و پس از لازم‌الاجرا شدن آخرین تحریم، که به قانون داماتو به عنوان پیشنهادکننده اولیه آن معروف است، آمریکا دست به ابتکارات دیپلماتیک برای تشویق کشورهای دیگر برای اتخاذ تدابیری مشابه علیه ایران زد. در اجلاس سران "گروه ۷" که در ژوئیه ۱۹۹۳ در توکیو برگزار شد و طی اجلاسهای بعدی آمریکا از سایر کشورهای صنعتی برای متوقف ساختن جریان فروش تکنولوژی‌های دارای استفاده نظامی به ایران، درخواست همکاری کرد.<sup>(۱۶)</sup> همچنین آمریکا به دفعات متعدد با تعدادی از دولتها، از جمله اعضای اتحادیه اروپا و ژاپن تماس گرفت و از آنها تقاضا کرد که مجازاتهای اقتصادی و تجاری را علیه جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذارند.

در مارس ۱۹۹۶، سناتور داماتو نامه‌هایی را برای شرکتهای نفتی فرانسوی ELF و توتال ارسال داشت و به آنها فشار وارد آورد تا از مشارکت بالقوه و بالفعل خود در پروژه‌های نفت و گاز ایران دست بردارند. بدنبال آن نامه‌های مشابهی برای تعدادی از شرکتهای و مؤسسات

دیگر از جمله BHP استرالیا، JGC ژاپن و همچنین دولت آلمان و سازمان ملل متحد فرستاده شد. (۱۷)

## غیرمجاز بودن تحریمهای یکجانبه در حقوق بین الملل: مجازاتهای آمریکا علیه ایران

در اعتبار اعمال تحریمهای یکجانبه از لحاظ حقوقی، حتی در بهترین حالت آن جای تردید وجود دارد، در حالی که تحریمهای یکجانبه اولیه و ثانویه آمریکا علیه ایران به وضوح نقض حقوق بین المللی محسوب می شود.

### ۱. غیرمجاز بودن تحریمهای یکجانبه در حقوق بین الملل

جامعه بین المللی تنها به سازمان ملل متحد اختیار داده است که در وضعیتهای خاص که تهدید علیه صلح یا نقض صلح وجود دارد، اقدامات اقتصادی قهرآمیز را اتخاذ کند. (۱۸) اقدامات یکجانبه دولتها برای اعمال اقدامات اقتصادی قهرآمیز علیه سایر دولتها هیچ مبنایی در حقوق بین الملل ندارد. قطعنامه های مختلف مصوب ارکان ملل متحد نیز برای این نکته تأکید دارند.

مجمع عمومی بکرات اقدامات اقتصادی قهرآمیز را به عنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی تقبیح کرده است. این قطعنامه تحت عنوان "اقدامات اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه" بشدت از کشورهای صنعتی می خواهد که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی" با هدف ایجاد تغییر در سیاستهای اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها، استفاده نکنند." (۱۹)

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات اقتصادی قهرآمیز را بویژه هنگامی که علیه کشورهای در حال توسعه به کار می رود، محکوم می نماید. این قطعنامه همچنین اعلام می دارد که "این اقدامات کمکی به ایجاد جو مسالمت آمیز که لازمه توسعه است"، نمی کند. آنکتاد در بخشی از قطعنامه ای تحت عنوان "عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز" تصریح می کند که:

تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازاتهای اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد... علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می گذارد، خودداری ورزند. (۲۰)

بسیاری از دانش‌پژوهان غربی در مورد قانونی بودن مجازاتهای یک جانبه تردید دارند. برای مثال به دنبال "تحریم نفتی اعراب" مقالاتی در نشریات حقوقی آمریکا منتشر شد که نشان می‌داد استفاده از اجبار اقتصادی نقض حقوق بین‌الملل، به نحو مقرر در منشور ملل متحد تعدادی از قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی ملل متحد، به شمار می‌آید. د. دبلیو بوت<sup>۱</sup> در ۱۹۷۲ اظهار داشت در مواردی که اقدامات اقتصادی منجر به نقض تعهدات عهدنامه‌ای خاصی یا یک اصل حقوق بین‌الملل، بویژه اصل عدم مداخله گردد، غیرقانونی خواهد بود.<sup>(۲۱)</sup> او سپس کوشید معیارهایی را برای تمیز رفتار اقتصادی مجاز دولتها از اقدامات اقتصادی اجباری تعیین کند و در این خصوص چنین نتیجه گرفت که انگیزه یا هدف دولتهای اعمال‌کننده این اقدامات عامل اصلی تشخیص غیرقانونی بودن یک رفتار اقتصادی است. او می‌نویسد:

بسیاری از فعالیتهای اقتصادی دولت برای سایر دولتها زیانبار است، بنابراین دلیل بدیهی که اقتصاد دولتها رقابتگر است و ارتقای اقتصاد یک دولت، خود سبب لطمه به دولتهای دیگر می‌شود. این نشان می‌دهد که ضروری است اقدامات اقتصادی غیرقانونی را بیشتر بر اساس نیت تا اثر این اقدامات تشخیص داد. به عبارت دیگر، اقداماتی که فی‌نفسه غیرقانونی نیستند در صورت اثبات داشتن انگیزه یا هدف نادرست، غیرقانونی دانسته شوند.<sup>(۲۲)</sup>

پروفسور لیلیج<sup>۲</sup> نیز خاطر نشان می‌سازد "اجبار اقتصادی، حتی در خشن‌ترین شکل آن، تنها هنگامی رواست که منطبق با اقدامات مجاز بین‌المللی، به عمل آید." وی همچنین متذکر می‌شود که موضوع واقعی، قانونی بودن "استفاده یک‌جانبه یک دولت یا گروهی از دولتها از اجبار اقتصادی، بدون اجازه بین‌المللی است." وی نتیجه بحث خود را به صورت یک اصل ارائه می‌کند مبنی بر اینکه "اجبار اقتصادی جدی و پایدار باید به عنوان شکلی از کمک به خود مجاز تنها در صورت سازگاری با منافع کلی جامعه جهانی، به نحو اعلام شده در اصول منشور ملل متحد یا در تصمیمات متخذه یا اسناد منتشره بر این اساس، مورد قبول قرار گیرد."<sup>(۲۳)</sup>

1. D.W. Bowett

2. Lillich

## ۲. تحریمهای یکجانبه: ناقض حق توسعه

آنگونه که در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ توصیف شده، حق توسعه به صورت "حقی جهانی و جدایی ناپذیر و جزء جدانشدنی حقوق اساسی بشر" در آمده است. اعلامیه حق توسعه این اصل را چنین توضیح می دهد: "یک حق انسانی جدایی ناپذیر که به موجب آن هر انسان و تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی های اساسی به طور کامل تحقق می یابد، مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره مند شوند." (۲۴) بند ۴ قطعنامه کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان "حقوق بشر و اقدامات قهرآمیز یک جانبه" به صراحت محدودیتهای تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و مسدود کردن دارایی ها را به عنوان اقدامات مجبورکننده ای فهرست می کند که از لحاظ حقوق بشر جرم محسوب می شوند. (۲۵)

## ۳. تحریمهای یکجانبه: ناقض اصل عدم مداخله در امور داخلی

اصل عدم مداخله که رویه دولت آنها وجود آن را بشدت مورد تأیید قرار می دهد، از وجود یک اجماع حقوقی میان دولتها حکایت می کند. اصل عدم مداخله در ماده ۸ کنوانسیون مونته ویدئو در مورد حقوق وظایف دولتها (۲۶) (۱۹۳۳)، ماده ۱۵ منشور سازمان کشورهای آمریکایی (۲۷) (۱۹۴۸)، ماده ۸ منشور اتحادیه عرب (۲۸) (۱۹۴۵) و ماده ۳ منشور سازمان وحدت آفریقا (۲۹) (۱۹۶۳)، گنجانده شده است.

همان طور که پیشتر ذکر شد، از نظر دوایر تحقیق کنگره آمریکا، این دولت تحریمهای اقتصادی را به عنوان اقدامات غیرنظامی تعریف می کند که بر جریان کالاها، خدمات یا دارایی های مالی به یک کشور خارجی خاص اثر سوء می گذارد، بدین منظور که این کشور به دلایل سیاسی تنبیه شود یا مورد اجبار قرار گیرد یا با این هدف که ناخرسندی آمریکا از اعمال آن کشور ابراز گردد.

ماده ۳۲ منشور حقوق وظایف اقتصادی دولتها اعلام می دارد که هیچ دولتی نمی تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی، یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود، استفاده یا این اقدامات را تشویق کند. از این پس اصل عدم مداخله در امور داخلی در اعلامیه های متعدد مصوب سازمانها و کنفرانسهای بین المللی، از جمله قطعنامه ۲۱۳۱ اجلاس بیستم مجمع عمومی در ۱۹۶۵ یعنی اعلامیه غیرمجاز بودن مداخله در امور داخلی دولتها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها، منعکس شده است. بند ۲ قطعنامه فوق مقرر می دارد:



هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی، یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده یا این اقدامات را تشویق کند و یا تضمین هر نوع امتیازی را از آن دولت مطالبه نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری و رسیدگی به دعوی مربوط به فعالیتهای نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن، محتوای این اصل را مورد توجه قرار داد و حکم خود را به شرح زیر صادر نمود:

با توجه به یک قاعدهٔ عموماً پذیرفته شده، این اصل تمام دولتها یا گروه دولتها را از مداخلهٔ مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولتهای دیگر باز می‌دارد. بنابراین یک مداخله منع شده را باید مداخله در اموری دانست که هر دولت طبق اصل حاکمیت، مجاز به تصمیم‌گیری آزادانه در آن است. یکی از این امور انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تنظیم سیاست خارجی است. هنگامی مداخله نادرست است که در آن از روشهای اجبار در مورد این انتخابها، که باید آزادانه صورت گیرند، استفاده شود.<sup>(۳۰)</sup>

#### ۴. تحریمهای فواسرزیمینی: ناقض اصل عدم مداخله در امور خارجی

مجمع عمومی در قطعنامه‌های ۴۷/۹ و ۵۰/۱۰ خود، ضمن اظهار نگرانی از "اعمال قوانین و مقررات دولتهای عضو که آثار فواسرزیمینی آنها، حاکمیت سایر دولتها و منافع مشروع واحدها یا اشخاص تحت صلاحیت و همین‌طور آزادی تجارت و کشتیرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛"<sup>(۳۱)</sup> بار دیگر تقاضاهای خود را از همهٔ دولتها تکرار می‌کند که از اعلام و اعمال این قوانین و مقررات به گونه‌ای منطبق با تعهداتشان به موجب منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل که در ضمن بر آزادی تجارت و کشتیرانی تأکید دارند، خودداری کنند.<sup>(۳۲)</sup> این قطعنامه‌ها از دولتها می‌خواهند که چنین قوانینی را لغو نمایند:

"از دولتهایی که چنین قوانین یا اقداماتی را تصویب نموده‌اند مصراحتاً می‌خواهد که طبق رژیم حقوقی خود، گامهای لازم را در اسرع وقت برای الغا یا ابطال آنها اتخاذ کنند."<sup>(۳۳)</sup> افزون بر این، شواهد فراوانی وجود دارد که اصل عدم مداخله، رد مداخله و دخالت در امور داخلی و خارجی سایر دولتها را شامل می‌شود. قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی، محتوای اصل عدم مداخله را در بند ۱ روشن می‌سازد:

“هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری مداخله کند.”

دولتهای آمریکایی در ماده ۱۸ منشور سازمان کشورهای آمریکایی که آمریکا نیز عضو آن است، معیار خاصی را در مورد اصل عدم مداخله تعیین کرده‌اند:

هیچ دولت یا گروهی از دولتها حق ندارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری مداخله کند. اصل فوق نه تنها مانع استفاده از نیروهای مسلح می‌شود، بلکه همچنین سایر اشکال مداخله یا تهدید همراه با سوء نیت علیه شخصیت یک دولت یا علیه اجزای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را ممنوع می‌سازد. (۳۴)

سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، که متضمن تعهد به عدم مداخله است، به وضوح مقرر می‌دارد که ممنوعیت دخالت، در امور داخلی و خارجی دولتهای دیگر را در بر می‌گیرد. بخشی از ماده ۴ این سند بدین قرار است:

“دولتهای شرکت‌کننده، از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم و فردی یا جمعی، در امور داخلی یا خارجی واقع در حوزه صلاحیت داخلی دولت شرکت‌کننده دیگر، قطع نظر از روابط متقابل آنها، خودداری خواهد کرد.” (۳۵)

تصمیم پیش‌گفته دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه نیز تأکید دارد که این ممنوعیت مداخله شامل مداخله در امور خارجی نیز می‌گردد.

##### ۵. تحریمهای علیه ایران: ناقض تعهدات عهدنامه‌ای آمریکا

مجازاتهای مزبور، اعم از اولیه و ثانویه، عهدنامه ۱۹۵۵ مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا، که به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری “بخشی از مجموعه قوانین قابل اعمال در روابط ایران و آمریکا است” (۳۶) را نقض می‌کند.

طبق بند ۱ ماده ۱۰ این عهدنامه “بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود” به موجب بند ۲ ماده ۸ نیز “هیچ یک از طرفین معظمین متعاهدین محدودیتها ممنوعیتی نسبت به ورود هرگونه محصول طرف معظم متعاهد دیگر یا نسبت به صدور هرگونه محصولی به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر قائل نخواهد شد، مگر اینکه ورود محصول مشابه از کلیه کشورهای ثالث یا صدور محصول مشابه به کلیه کشورهای ثالث همچنان محدود یا ممنوع شده باشد.”

آشکار است که آمریکا با وضع مجازاتها علیه ایران، تعهداتش به موجب معاهده دوستی را نقض کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه، اعمال مجازاتهای ۱ مه ۱۹۸۵ آمریکا بر کل تجارت نیکاراگوئه را مورد توجه قرارداد و چنین اظهار عقیده کرد: هنگامی که چنین تعهدی، از نوع مذکور در معاهده دوستی و نجارت وجود دارد، اقدام شدید به قطع مناسبات تجاری در قالب تحریم کلی تجاری ۱ مه ۱۹۸۵، به طور معمول نقض تعهد مبنی بر عدم زیر پا گذاشتن هدف و مقصود این معاهده محسوب می‌شود. (۳۷)

تحریمها همچنین با بیانیه الجزایر که در ۱۹۸۱ میان ایران و آمریکا به منظور خاتمه بحران گروگان‌گیری به امضا رسید، مغایرت دارد. تعهد آمریکا طبق بند ۱۰ بیانیه دایر بر لغو تمام تحریمهای تجاری علیه ایران پس از نوامبر ۱۹۷۹، نیز اجازه وضع مجدد تحریمهای مشابه را به آن دولت نمی‌دهد. (۳۸)

بعلاوه، هدف تحریمهای ثانویه آمریکا، قطع روابط ایران با سایر دولتها و اثرگذاری بر امور داخلی این کشور، همراه با اجبار و بدون هرگونه توجیه حقوقی است و بنابراین با بند ۱ بیانیه که هرگونه دخالت آمریکا در امور ایران را منع می‌کند، مغایرت دارد. (۳۹)

### ع مجازاتهای علیه ایران: اقدامات متقابل توجیه‌ناپذیر

حکومت آمریکا به انگیزه ملاحظات داخلی، بویژه تلاش برای راضی و آرام کردن گروههای ویژه طرفدار اسرائیل در جریان انتخابات، ادعاهایی را برای توجیه اقدام خود در زمینه اعمال تحریمها علیه ایران و ترغیب دولتهای دیگر برای تبعیت از آن، مطرح کرد. مهم‌ترین این اتهامات مباشرت ایران در تروریسم بین‌الملل، اخذ یا تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی و مخالفت شدید با روند صلح خاورمیانه است. این توجیهات هیچ‌گونه مبنای واقعی ندارند. هرگونه بررسی جدی شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد که این اتهامات و ادعاها زاییده گروههای فشار اسرائیلی هستند که بدون هیچ‌گونه رسیدگی یا بررسی از طریق رسانه‌ها پخش شده‌اند.

ایران به عنوان قربانی عمده تروریسم بین‌الملل، نه تنها تروریسم را در همه اشکال و نمودهای آن محکوم می‌کند، بلکه همچنین گامهای عملی چندی برای تقویت و توسعه همکاری بین‌المللی برای مقابله با این خطر برداشته است. ایران فعالانه در تنظیم و گسترش کردارنامه سازمان کنفرانس اسلامی برای مبارزه با تروریسم مشارکت داشته و در نهایی کردن قطعنامه تروریسم طی پنجاه و یکمین اجلاس مجمع عمومی به نحو مثبت همکاری

کرده‌است. در این اجلاس وزیر امور خارجه خواستار همکاری جدی جهانی برای ریشه‌کن کردن تروریسم شده که بر محورهای زیر مبتنی است:

- محکوم کردن و رد همه اشکال تروریسم، قطع نظر از هویت قربانیان یا مرتکبین و صرف نظر از گرایشها و اهداف سیاسی آنها؛

- خودداری از پناه‌دادن به تروریستها یا گروههای تروریستی و جلوگیری از فعالیت تروریستها یا فعالیتهایی که از جانب آنها صورت می‌گیرد؛

- متوقف ساختن کلیه تبلیغات و اتهامات بی‌پایه و اثبات نشده.

بعلاوه، متخصصان آمریکایی، از جمله مقامات عالی‌رتبه، فقدان دلیل برای ادعای مشارکت ایران در تروریسم بین‌المللی را پذیرفته‌اند. به نظر گری سیک<sup>۱</sup>، دستیار پیشین امنیت ملی " اگر این گزارش (گزارش وزارت امور خارجه درخصوص تروریسم بین‌المللی در ۱۹۹۴، بخش مربوط به ایران) را مطالعه کنید... هیچ‌گونه مدرک قابل ملاحظه در آن یافت نمی‌شود." (۴۰)

در مورد سلاحهای کشتار جمعی، ادعاهای آمریکا توسط سازمانهای بین‌المللی، بویژه آنهایی که مأمور نظارت بر رعایت چنین اموری هستند، تکذیب شده‌است. درخصوص سلاحهای شیمیایی ضمن اینکه ایران قربانی گسترده‌ترین استفاده از این سلاحهای غیرانسانی در تاریخ اخیر است، بزرگترین آزمایش را پشت سر گذاشته هرگز با استفاده از چنین وسایلی اقدام به تلافی نکرده‌است. هیئت‌های متعدد اعزامی ملل متحد جهت بازرسی موارد استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ عراق با ایران، به این نتیجه رسیدند که عراق به این سلاحها حتی علیه غیرنظامیان هر دو سو متوسل شده‌بود و بدین ترتیب هر بار ادعاهای متقابل عراق و در نتیجه آمریکا، به عنوان متحد آن، علیه ایران را تکذیب کردند.<sup>(۴۱)</sup> در زمینه سلاحهای هسته‌ای، ایران نه تنها تمام اسناد بین‌المللی در مورد این سلاحها، از جمله به تازگی معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای<sup>۲</sup> را امضا کرده و مورد توجه قرار داده‌است، بلکه همچنین درهای خود را بر روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گشوده‌است که از تعهداتش بسیار فراتر می‌رود. کارشناسان و مقامات این آژانس بکرات ادعاهای فوق را رد کرده و رعایت موازین این سازمان از جانب ایران را تأیید نموده‌اند.<sup>(۴۲)</sup> آقای هانس بلیکس<sup>۳</sup> رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در پاسخ به این ادعا که ایران همانند عراق آژانس را فریب داده است در مقاله‌ای تحت عنوان

1. Gary Sick

2. CTBT

3. Hans Blix

“علنی بودن فوق‌العاده در ایران” متذکر شد:

اجازه بدهید بگویم که ایران در مقایسه با عراق پیش از جنگ خلیج فارس جامعه بسیار بازتری است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعدادی از نیروگاههای هسته‌ای اعلام شده ایران را بدون هیچ مشکلی به طور منظم بازدید کرده‌اند. ایران همچنین متعهد شده که بازرسان بتوانند “از هر محلی که مایل باشند و در هر زمانی که خود بخواهند” بازدید کنند. دوبار نیز، که یکی از آنها بر پایه این تعهد بوده‌است، از تأسیسات اعلام نشده بازدید صورت گرفته است، بدون اینکه هیچ چیز چشمگیری در آنها مشاهده شود. (۴۳)

بعلاوه، طی مصاحبه‌ای با روزنامه استرالیایی Die Presse آقای بلیکس خاطر نشان ساخته که “ما هیچ‌گونه دلیلی برای قبول این نظر که ایران چیزی را از ما پنهان کرده‌است، در دست نداریم.” وی در پاسخ به انجام تحقیق درخصوص پافشاری آمریکاییان در مورد ادعایشان گفت: “در هر صورت، آژانس هیچ‌گونه سند یا مدرکی را از آمریکا یا هر منبع دیگری که نشان دهد ایران در ایفای اقداماتشان طبق معاهده عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای قصور ورزیده، دریافت نکرده‌است.” (۴۴)

با وجود این، آمریکا و بشدت اسرائیل که حتی عضو معاهده عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای نیست و در سازوکارهای حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مشارکت ندارد، مبارزه مزورانه خود را متوقف نمی‌کنند و در عوض می‌کوشند موضع این آژانس را نه بر پایه واقعیات، بلکه با وارد آوردن فشار سیاسی تغییر دهند. (۴۵)

در خاورمیانه، آمریکا نمی‌تواند تقصیر شکست روند صلح را متوجه نیروهای خارجی سازد. ایران به دفعات خاطر نشان ساخته است که این کمبودها در ذات رویگری وجود دارد که از یکسو نمی‌کوشد حق جدانشدنی فلسطینیان را به آنان بازگرداند و از سوی دیگر توجهی به گرایشهای توسعه‌طلبانه اسرائیل، که اکنون بیش از گذشته علنی شده‌است، ندارد. وقایع چند ماه اخیر مؤید این تحلیل است و دلایل واقعی شکست روند صلح را نشان می‌دهد. ایران بوضوح اعلام داشته که گرچه نظریات و عقاید خود را به طور علنی و آشکار ابراز می‌دارد، اما خود را در هر فعالیتی که مانع روند صلح شود، درگیر نمی‌سازد. بطور یقین حتی برای روند صلح نیز سودمند نیست که برای پوشاندن نقایص ذاتی خود به دنبال یک دلیل خارجی موهوم باشد.

نه تنها مبانی واقعی توجیحات آمریکا بطور جدی خدشه‌پذیر است، این دولت دلایلی در حقوق بین‌الملل برای استفاده از این ادعاها جهت توجیه سیاست خصمانه خود علیه ایران

ندارد. اقدامات اقتصادی اجباری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف سیاسی، به عنوان اقدام متقابل قابل توجیه نیست. حقوق بین‌الملل معاصر دامنه مواردی را که دولت لطمه دیده می‌تواند به استناد اقدام متقابل به اجبار اقتصادی یا سیاسی متوسل شود، محدود می‌کند: نخست، دولت لطمه دیده یا قربانی تنها حق دارد به اقدامات متقابلی که در حقوق بین‌الملل تعیین و محدود شده‌است، متوسل شود. (۴۶) دوم، توسل به انواع خاص اقدامات متقابل ممنوع است. کمیسیون حقوق بین‌الملل<sup>۳</sup> اجبار اقتصادی یا سیاسی شدید به منظور به خطر انداختن تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت<sup>۴</sup> را در زمره اقدامات متقابل غیرقانونی فهرست کرده‌است (۴۷)

### ۷. دولتها و سازمانهای بین‌المللی مخالف مجازاتهای یک‌جانبه و اقدامات فراسرزمینی

مخالفت شدید دولتهای مختلف در سراسر جهان با تحریمهای یک‌جانبه ثابت می‌کند که جامعه بین‌المللی اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی به وسیله آمریکا را نمی‌پذیرد. اتحادیه اروپا با وضع چنین قوانینی توسط آمریکا بشدت مخالفت کرده و خاطر نشان ساخته است که اعمال فراسرزمینی صلاحیت آمریکا مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد. اتحادیه اروپا طی نامه‌ای خطاب به سناتور رابرت دال<sup>۱</sup> در ۷ دسامبر ۱۹۹۵ و در نامه جداگانه‌ای به وزارت امور خارجه آمریکا در ۸ دسامبر ۱۹۹۵ اعتراض شدید و صریح خود را نسبت به اعمال فراسرزمینی قانون آمریکا اعلام داشت و چنین موضع گرفت که "آمریکا مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد که بتواند نسبت به اشخاص خارجی یا شرکتهای متعلق به خارجیان که به ایران تجهیزات مربوط به توسعه منابع نفتی را عرضه می‌کنند، مجازاتهایی اعمال کند." (۴۸)

جنبش عدم تعهد نیز طی بیانیه‌های مختلف، از جمله بیانیه‌ای که پس از امضای قانون داماتو صادر شد، اعمال فراسرزمینی قانون داخلی را رد کرده، غیرقانونی و غیرقابل قبول دانسته است. (۴۹) اجلاس وزیران گروه ۷۷ در اکتبر ۱۹۹۶ (۵۰) در نیویورک و اجلاس مقدماتی برای بیست و چهارمین کنفرانس وزیران سازمان کنفرانس اسلامی (۵۱) نیز موضع‌گیری‌های مشابهی کرده‌اند. سرانجام، مجمع عمومی در قطعنامه A/51/L.23 خواستار لغو فوری اقدامات یک‌جانبه فراسرزمینی شده‌است.

1. Robert Dole

## نتیجه‌گیری

مخالفت جدی بین‌المللی با اقدامات یک‌جانبه آمریکا، بویژه آن دسته از اقدامات که بعد فراسرزمینی دارند، نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی به خطرناک بودن این گرایش جدید و آثار آن که از تلاش آمریکا برای اجرای سیاست خصمانه علیه ایران یا معدودی دولتهای دیگر بسیار فراتر می‌رود، پی برده‌است.

در واقع، گرایشهای اصلی که در این موج جدید اقدامات فراسرزمینی کنگره آمریکا آشکار شده، یک‌جانبه خواهی و توسعه‌طلبی جدید است. این دو پدیده منحصرأ در مجازاتهای جدید فراسرزمینی بازتاب نیافته‌اند، بلکه در واقع مبین سمت‌گیری گسترده‌تری هستند که از برداشت سوء قانونگذاران آمریکا از تحولات بین‌المللی پس از جنگ سرد نشأت می‌گیرد. این برداشت نادرست که ممکن است از محدوده کنگره آمریکا فراتر رفته و به صورت مسئله‌ای در کل دولت آمریکا در آید، می‌تواند آثار وسیعی بر رفتار آتی و نقش آینده آمریکا و نیز بر صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد. وجود تصور نادرست در آمریکا تنها می‌تواند به انزوای سیاست آمریکا در سطح جهانی منجر شود. اما در عین حال به قاطعیت بیشتر اروپا، ژاپن و سایر کشورهای صنعتی منجر خواهد شد، که این چنین نیز شده‌است. ثمرات این قاطعیت جدید اروپا و ژاپن در سطح جهانی از طریق توسعه حضور و نفوذشان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و استراتژیک و نیز در سطح منطقه‌ای و در روابط با ایران، ظاهر خواهد شد.

## یادداشتها

1. کمیته تحریمهای اقتصادی در منبع زیر توضیح داده شده‌است:  
Donald Losman, *International Economic Sanctions*, (Albuquerque, New Mexico: University of New Mexico Press, 1979), p.1
2. Harry Strack, *Sanctions*, (New York: Syracuse University Press, 1978), p.11
3. Myres Mc Dougal and Florentine Feliciano, *Law and Minimum World Public order*, (London: Yale University Press, 1961), P. 263.
4. John Galtung, "On the Effects of International Economic Sanctions," *World Politics*, Volume 19, 1967.
5. M. Javad Zarif, *Multilateral Sanctions in International Relations*, (Master's Thesis, 1982).
6. Hans Kochler, *The United Nations Sanctions Policy and International Law, Just World Trust*,

- 1995, pp. 6-7.
7. Zarif, *Op.cit.*, PP. 5-10.
۸. گزارش دایره تحقیق کنگره، ۱۰ اوت ۱۹۹۲.
9. Kenneth Katzman, *Iran: Current Development and us Policy*, CRS Issue Brief, Updated Feb.1996, p.11
10. *Ibid.*
11. Public Law, 102-484.
12. Katzman, p.11
13. *Ibid*, P.14.
14. Public Law, 103-84
15. Executive Order, 12959.
16. Katzman, p.13.
17. *Middle East Economic Survey*, 4 and 11 March 1996; *Wall street Journal*, 4 June, 1996.
۱۸. به ماده ۳۹ منشور نگاه کنید.
19. G.A Resolution 210, December 1991.
20. UNCTAD Resolution 152 (IV), 2 July, 1983.
21. D.W. Bowett, "Economic Coercion and Reprisals by States, 13 *Virginia Journal of International Law*, No.1 (Eall 1972).
22. D.N. Bowett, "International Law and Economic Coercion, 16 *Virginia Journal of International Law*, No.245, (Winter 1976).
23. Richard C. Lillich, *Economic Coercion and the New International Economic Order*, 1976.
24. General Assembly Resolution Xli of December 4, 1984.
۲۵. قطعنامه ۴ مارس ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.
26. UNTS, 165, p.19
27. UNTS, 119, P.49.
28. UNTS, 70, P.237.
29. Peaselec, *International Governmental Organization*, third Revised Edition, 1974, p.1165.
30. ICI Reports, Case Concerning Military and Para- Military Activities in and against Nicaragua, 1986, p.108.
31. General Assembly Resolution 47/19, 24 November 1992.
32. General Assembly Resolution 50/10.
۳۳. در قطعنامه ۵۰/۱۰ مجمع عمومی تقاضا برای ابطال این قوانین تکرار شده است.



34. April 30, 1948, 2UST, 2394 119 UNTS 3.
35. Conference on Security and Cooperation in Europe, Final Act, August 1, 1975.
36. LCJ Reports, Case Concerning United States Diplomatic and Consular staff in Tehran, Judgement of May 24, 1980, P.28.
37. ICJ Reports, Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, p. 128, Para. 276.
۳۸. بند ۱۰ بیانیه عمومی مقرر می‌دارد: "به مجرد اینکه حکومت الجزایر تأیید مذکور در بند ۳ فوق را به عمل آورد، آمریکا تمام مجازاتهای تجاری علیه ایران در فاصله نوامبر ۱۹۷۹ تا کنون را لغو خواهد کرد."
۳۹. بیانیه عمومی در بند اول تحت عنوان "عدم مداخله در امور ایران" مقرر می‌دارد: "آمریکا متعهد می‌شود سیاست این کشور عدم مداخله سیاسی یا نظامی مستقیم در امور داخلی ایران باشد و خواهد بود."
40. Statement in a Middle East Policy Council Meeting, "U.S. Policy Toward Iran: From Containment to Relentless Pursuit?" *Reuters*, 25 May 1995.
۴۱. مراجعه کنید به گزارشهای هیئتهای اعزامی دبیرکل سازمان ملل متحد جهت بررسی موارد استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ عراق با ایران و بیانیه‌ها و قطعنامه مصوب شورای امنیت از جمله، SCR612, S/17932, S/17130.
۴۲. برای مثال نگاه کنید به:  
INFCIRC/406 of the IAEA and Comments Made by IAEA Officials on the Subject on Several Instances.
43. *Dagens Nyheter*, 21 December 1995.  
همچنین به شماره مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۹۶ این نشریه مراجعه شود.
44. *Die Presse*, 20 March 1995.
۴۵. برای مثال نگاه کنید به:  
*Washington Post*, 15 February 1992.
۴۶. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه چنین نظری داشت: "اعمالی که نیکاراگوئه به آنها متهم شده است؛ حتی اگر فرض کنیم که آنها واقع شده‌اند و قابل انتساب به آن دولت هستند، تنها یک اقدام متقابل متناسب از جانب دولت قربانی این اعمال، یعنی السالوادور، هندوراس یا کاستاریکا را توجیه می‌کند. این اعمال نمی‌تواند توجیهی برای اقدامات متقابل یک دولت ثالث، یعنی آمریکا به وجود آورد و بویژه به هیچ وجه مداخله همراه با کاربرد زور را توجیه نمی‌کند."
۴۷. نگاه کنید به:  
Report of International Law Commission on the Work of its forty-eighth "session(A)  
(A/51/10) p.145
- با توجه به عدم وجود مقررات دیگری که اقدامات اجباری فردی دولتها را محکوم کند، برخی مؤلفین

اعتقاد دارند که بند ۴ ماده ۲ منشور نه تنها ناظر بر تلافی مسلحانه است، بلکه همچنین اقدامات اجباری را در بر می‌گیرد. به نظر آنان چنین اقداماتی اگر نتیجه این اقدامات در واقع ایجاد خفقان اقتصادی برای دولت هدف باشد، از لحاظ هدف یا نتیجه تفاوتی با کاربرد نیروی مسلح ندارد. برای توضیحات مربوط به اقدامات متقابل ممنوع نگاه کنید به:

Report of the International Law Commission on the Work of its forty- Seventh Session (A/50/10).

۴۸. متن نامه در مدرک زیر به چاپ رسیده است:

*Inside U.S. Trade*, December 15, 1995.

49. Statement of 23 August 1996, NOAL/0733/F

۵۰. بیانیه منتشره در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ از مجانب گروه ۷۷.

51. ICFM/24-96/PIL/DR.35.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی